

آداب زنان ایرانی در دوره صفوی

(به نقل از سفرنامه سانسون)

○ دکتر احمد شعبانی

عضو هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه اصفهان

○ سفرنامه سانسون

○ تألیف: سانسون

○ ترجمه: دکتر تقی تفضلی، تهران، ۱۳۴۶

از نیم فرسنگی محل عبور شاه و حرم، تفنگداران در خیابان‌ها به پاسداری می‌پرداختند. عده‌ای از خواجه‌گان حرم‌سرا و زبردستانشان با کمال دقت مراقبت می‌کنند میادا کنجکاوای تفنگداران آنها را برانگیزد و برای تماشای حرم به محل عبور نزدیک شوند. ...

اما زنان آزادند و می‌توانند بر سر راه شاه قرار گیرند و عبور شاه و حرم‌سرا را تماشا کنند. به وسیله همین زن‌ها است که از خصوصیات حرکت شاه با حرم و نظم و ترتیب آن اطلاعاتی به دست می‌آید.^۱

۲. بانوان دربار:

آنچه از وضعیت قصر سلطنتی شاه سلیمان آشکار می‌شود، وسعت دربار و حرمسرای پادشاهی است. بر این قرار در سفرنامه مزبور نقل است: «در قصر سلطنتی متجاوز از هشتصد زن زندگی می‌کنند، اگر چه مخارج زندگی تمام آنها را شاه می‌پردازد ولی همه آنها زن شاه نیستند و شاه با تمام آنها رابطه ندارد. بسیاری از این خانم‌ها دخترانی هستند که در خدمت شاهزاده خانم‌های همخون شاه یا سایر شاهزاده خانم‌های گرجستانی و چرکس و لرستان می‌باشند و با دختران حکام و دختران سایر امراء و بزرگان در قصر سلطنتی تربیت می‌شوند. این دختران معمولاً در قصر شاه باقی می‌مانند تا وقتی که شاه به نسبت شرایط خانوادگی و شخصیت آنها برایشان جهیزیه تهیه کند و آنها را شوهر دهد. این دختران در قصر سلطنتی بسیار خوب تربیت می‌شوند و در کمال عفاف و پاکیزگی زندگی می‌کنند، به همین مناسبت در صورتی که یکی از این دختران به عقد ازدواج یکی از امرا و بزرگان درآید برای آن امیر موجب بسی افتخار و مباهات است و از این جهت به خود بسیار می‌بالد».^۲

۳. تربیت شاهزادگان درباری

از نکات قابل توجه در تربیت زنان درباری تلفیق تربیت نظری و عملی در دوره صفویه است. سانسون در این مورد می‌نویسد: «زن‌های شاه در حرم‌سرا تیراندازی با تیر و کمان و تفنگ را یاد می‌گیرند و به آنها شکار کردن و به دنبال گوزن دویدن و اسب تاختن را می‌آموزند. علاوه بر این خانم‌ها به نقاشی کردن، آواز خواندن، رقصیدن و ساز زدن می‌پردازند و نواختن آلات مختلف موسیقی را نیز یاد می‌گیرند، همچنین به آنها ادبیات و تاریخ و ریاضیات را درس می‌دهند».^۳

مقدمه:
سانسون به سال ۱۶۸۳ میلادی / ۱۰۹۵ ه. ق. در هیأت مبلغین دین مسیحی به ایران آمد. وی زبان‌های ارمنی، ترکی و فارسی را واقف بود و نخستین مأموریت خود را در این سرزمین در نواحی قزوین به مدت هشت ماه به انجام آورد، سپس مدت شش ماه را در بین‌النهرین به سرآورد. چون به مناطق مرکزی کشور بازگشت مدتی را در همدان به منظور رسیدگی به ارثیه اسقف همدان در آن نواحی سکونت گزید. در نهایت به توصیه پادشاه فرانسه سه سال را در پایتخت سلسله صفویه یعنی اصفهان در عداد میهمانان عالی‌رتبه شاه سلیمان صفوی درآمد.

چند نکته در سفرنامه سانسون حائز اهمیت است، که عبارت‌اند از: ۱. این سیاح فرانسوی با مقامات عالی‌دولت متبوع خود نزدیکی داشته است. چنانکه متن اثر خویش را با نام‌های در حق‌شناسی به آقای رویی (A Monsieur Rouillie) آغاز نموده، و در این رویه از حمایت اعلیحضرت شاه فرانسه در ورود به دربار شاه سلیمان برخوردار بوده است.

۲. از آنجا که سانسون در هیأت مبلغین مسیحی به ایران آمده، بدیهی است از اقشار تحصیل‌کرده عصر خویش در قرن هفدهم میلادی بوده و با توجه به آشنایی و مکالمه با زبان‌های محل مأموریت خود ظرایف و نکات دقیق آداب و رسوم ایرانی را در متن سفرنامه خود به رشته تحریر آورده است.

۳. سانسون نکات بسیار مهم و ارزشمندی از سرزمین محل مأموریت خود درباره قانونگذاری، مراتب اداری، وضعیت معماری کاخ‌ها، و شهر اصفهان فراهم کرده که منبع اطلاعاتی مفیدی برای جویندگان پژوهش‌های تاریخی است. در این مقاله کوتاه، تلاش شده با استفاده از گزارش سانسون در سفرنامه‌اش، به آداب زنان ایرانی در سه قرن پیش اشاره شود که بازتاب موقعیت و شرایط زن ایرانی قبل از ورود به دوره قاجاریه است.

۱- باریابی زنان به حضور شاه

از نکات جالب دسترسی عامه به شاه و امکان حضور زنان و بانوان حوزه پایتخت در دربار بوده است، چنانکه در سفرنامه سانسون نقل است: «وقتی شاه با زنان به شکار می‌رود قبلاً به ساکنین محله‌های بیرون شهر، نواحی و حدودی که شاه و حرم‌سرا از آنجا می‌گذرند دستور می‌دهند که منازل خود را ترک کنند و از آن حدود دور شوند.



آنها زینت می‌کنند می‌پوشند و در منزل مانند مردان کفش راحتی که از چرم ساغری درست شده است بپوشند.^۵ هیچ تردیدی نیست که همه زنان ایرانی از شهرنشین و روستایی، از اعیان و فقیر برخوردار از این جامه شکوهمند نبوده ولی به قسمی پوشاک زن ایرانی را به اعلی درجه در حیات بانوان نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری:

از محتوای سفرنامه سانسون عیان

می‌شود که در دربار صفوی زنان در چارچوب حیات اجتماعی خویش برخوردار از آزادی‌های اجتماعی در جنبه‌های عملی زندگی بوده‌اند. از قرار آموزش و فراگیری، شکار و سواری، رقص و نقاشی، به انضمام تهیه جهیزه از نکات ابتدایی و حقوق نخستین شاهزادگان دربار صفوی بوده که بی‌شک نمایی از آن را می‌توان در بین جماعت و عامه ایرانی مشاهده کرد. هر چند دقت سانسون در متن سفرنامه از تجسس زندگی بانوی درباری قابل تحسین است لیکن اطلاعات ماخوذ از آداب و رسوم زن عامه دوره صفوی محدود می‌باشد.

پی‌نوشتها:

۱. سفرنامه سانسون، ترجمه دکتر تقی تفضلی، تهران: [بی. نا]، ۱۳۴۶. ص ۱۰۹. لازم به توضیح است که دکتر تفضلی این سفرنامه را از متن اصلی فرانسوی ترجمه کرده است لیکن ترجمه دیگری از کتاب، از روی ترجمه انگلیسی و مقایسه با متن فرانسوی صورت گرفته و در سال ۱۳۷۷ با این مشخصات به چاپ رسیده است. سفرنامه سانسون (وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی) ترجمه محمد مهریار، انتشارات گلها، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲. همان، ص ۱۱۹ - ۱۲۲.
۳. همان، ص ۱۱۹.
۴. همان، ص ۱۱۳ - ۱۱۵.
۵. همان، ص ۱۲۲ - ۱۲۴.

در بازتاب این‌گونه تربیت به قسمی که در سفرنامه به قلم آمده، مهارت و فراگیری زنان در حد جشن ذکور نمود می‌یابد:

«و اما این خانم‌ها در حقیقت مردان جنگی کارآموده‌ای هستند زیرا همه سوارکاران بسیار قابل می‌باشند و بر اسب‌ها مهمیز می‌زنند و چهار نعل اسب می‌تازند و به خوبی و به مهارت چابک‌ترین مردان اسب‌سواری می‌کنند، این خانم‌ها با کمال شجاعت حیوانات درنده را تعقیب می‌نمایند و با مهارتی شگفت‌انگیز تیر از کمان رها می‌کنند و با وضعی تحسین‌آمیز حیوانات درنده را شکار می‌کنند».^۴

اینکه کدام‌گونه از زنان با این تربیت ماهرانه به شکار مبادرت نموده، در ذکر قلم سانسون آشکار نیست، لیکن این زنان که در حرم‌سرا به سر می‌برده‌اند، به واقع آیا از ندیمان شاه و شاهزادگان نبوده‌اند؟

۴. لباس و پوشاک زنان

توصیف سانسون از پوشاک زنان ایرانی، به نوعی وصف لباس‌های زنان درباری است. از این نوشته آشکار می‌شود که در آن دوره استفاده از جامه‌های فاخر و زر و زیور همراه با شال‌های ظریف به همراه جواهرآلات امری مرسوم بوده است. نکته عجیب پایین تنه بانوان بوده که خانم‌ها هرگز جورابی را نمی‌پوشیده‌اند بلکه از شلوار بلند بهره می‌جسته‌اند:

«طرز لباس پوشیدن زنها در ایران با لباس پوشیدن مردها اختلاف چندانی ندارد. فقط لباس خانم‌ها زر و زیور بیشتری دارد و طبعاً درخشان‌تر است. ... پیشانی خانم‌ها از نواری که سه انگشت پهن‌تر دارد پوشیده شده است، این نوار با طلای میناکاری شده زینت یافته است و بر آن یاقوت و برلیان و مروارید می‌آویزند. خانم‌ها کلاه پارچه‌ای ظریفی که با طلا آنرا حاشیه‌دوزی کرده‌اند بر سر می‌گذارند و شال ظریفی را که حاشیه آن در کمال زیبایی گلدوزی شده است دور کلاه می‌پیچند... پیراهنی که در زیر می‌پوشند زربفت است و زمینه آن طلا یا نقره است، روی این پیراهن یک نیم تنه زردوزی شده که بسیار زیبا می‌باشد می‌پوشند. آستر نیم تنه از پوست سمور است، در زمستان نیم تنه آستین دارد و در تابستان بدون آستین می‌باشد.

خانم‌ها هرگز جوراب نمی‌پوشند زیرا شلواری که بپوشند بلند است و تا زیر قوزک پایشان را می‌پوشاند. در زمستان پوتین‌های ساق بلندی را که لبه‌های